

منابع و روشهای تفسیر موضوعی در سده چهاردهم

ابوطالب محمدی

کار تفسیر و پژوهش در هر متن تفسیرپذیر، بر مجموعه ای از (پیش شناختها) و (شرایط) و (ضوابط) و نیز (ابزار رهگشا و روشنگر) متکی است.

هریک از این عناصر جایگاه و نقش خاص خود را داراست هرچند تفکیک میان (شرایط) و (ضوابط) و (ابزار) برای برخی چندان آشنا نباشد!

اگر تفاوت و تمایز این عناصر را در قالب مثالی جست و جو کنیم می توانیم بگوییم که فراگیری یک زبان شرایطی دارد که برخوردار از استعداد و شوق و تلاش در شمار آن شرایط به حساب می آید و ضوابطی دارد که از آن جمله فراگیری مرحله به مرحله و حرکت از ساده به سمت پیچیده ه ا و به کارگیری تدریجی قواعد دستوری است و ابزاری دارد که جوینده را در میدان فراگیری یاری می دهد مانند کتابهای لغت و دستور زبان، منابع کمک آموزشی، مکالمه با اهل زبان و ...

کار تفسیر قرآن نیز شرایطی دارد که آشنایی با فرهنگ و معارف عمومی دین و استعداد و توان ادراکی و تحلیلی، از آن شمار است، ضوابطی دارد که از آن جمله می توان (تمسک نکردن به عموم عام قبل از جست و جو از مخصص)، (استدلال نکردن به مطلق قبل از اطمینان به وجود نداشتن مقیّد و قید) و ... را یاد کرد. و در این میان برای تفسیر، ابزاری وجود دارد، مانند لغت، عرف، شأن نزول، روایات، تاریخ و ...

از این روست که برخی مفسران، پیش شرط روی آوری به تفسیر موضوعی قرآن را، آگاهی از یک دوره تفسیر ترتیبی دانسته اند. ۱ و در بررسی منابع و ابزار معرفتی تفسیر، در کنار لغت و شأن نزول و تاریخ، از خود قرآن به عنوان بهترین وسیله تفسیر یاد کرده اند.

اکنون، در این تحقیق همت خویش را به بررسی ابزار معتبر در تفسیر موضوعی قرآن، معطوف می داریم و تحقیق در شرایط و ضوابط را به مجال دیگر وا می نهمیم.

۱. کاربرد قرآن در تفسیر موضوعی قرآن

بخشی از آیات و مفاهیم و معارف قرآن، خود وسیله ای برای درک و تفسیر و توضیح بخشی دیگری از آیات و پیامهای آن است. چنانکه برخی مفسران بر این باورند که در اصل این روش، همان چیزی است که ائمه (ع) پیموده اند و به پیروان خود نمایانده اند. ۲ و برخی دیگر اظهار داشته اند که روی آوری به غیر قرآن، برای تفسیر قرآن، به فساد و کجی منتهی می شود.

اگر به طور مطلق نپذیریم که قرآن باید فقط با خود قرآن تفسیر شود، قدر مسلم این است که قرآن خود از مهم ترین منابع و ابزار تفسیر آیات خویش است؛ زیرا سیاق آیات، قیدهایی ناظر به اطلاق، تخصیصهای متوجه به عموم و ... برای درک مفاهیم قرآنی، وسیله ای کارآمد و بی بدیل است.

تفسیر قرآن به قرآن، به مطالعه متشابه در پرتو محکم، عام در مقایسه با خاص، مطلق در کنار مقید و...، خلاصه نمی شود، بلکه نویسندگان چون مؤلف (اضواء البیان) گونه های تفسیر قرآن با قرآن را بیش از بیست گونه دانسته اند.^۴

اوج حضور قرآن به عنوان وسیله تفسیر، در (تفسیر قرآن به قرآن) و در تفسیر بیانی درخور مطالعه است که دوگونه از اقسام مختلف تفسیر موضوعی را تشکیل می دهد. عنوان تفسیر قرآن با قرآن، امروز زینت بخش آثار قلمی چندین مفسر بزرگ است و در تمامی آنها آیاتی از قرآن، مفسر بخشی از آیات شناخته شده است. نمونه بارز این گونه تفسیر را می توان در تفسیر شنقیطی، به نام (اضواء البیان) شاهد بود. از سوی دیگر در نمودن نمونه ای آشکار از (تفسیر بیانی) به اثر عائشه عبدالرحمن (التفسیر البیانی للقرآن الکریم) باید اشاره کرد.

۲. بهره گیری از سنت در بررسی موضوعی معارف قرآن

مفسران، سنت را از ابزار تحقیق در تفسیر به شمار آورده اند، بدین دلیل که خداوند می فرماید: (وانزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیههم) نحل / ۴۴ ما این یاد [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنان روشن سازی. پس پیامبر مفسر است و بدون سخنان او نمی توان به گنجینه معارف قرآن، راه یافت. ولی در عمل، مفسران خود را در بهره گیری از سنت با بازدارنده هایی رو به رو دیده اند، به همین دلیل میزان استفاده آنان از سنت، متفاوت است. نویسنده (الفرقان فی تفسیرالقرآن) می نویسد: (سنت وقتی می تواند در خدمت تفسیر قرار گیرد، که ناسازگاری و مخالفت با قرآن نداشته باشد).^۶ عبده و رشیدرضا، معتقدند: (از آن جا که روایات موجود، گرفتار ضعف سندی و اشکال محتوایی هستند، نه تنها کلید فهم مراد الهی نیستند که چون حجایی جلو درک صحیح مقاصد قرآنی را سد می کنند).^۷ برخی دیگر از کاوشگران مباحث قرآنی و الهی اظهار داشته اند: (احادیثی که موضوعشان تعبیر برخی آیات قرآنی است، گاهی تفسیرهایی می کنند که نمی توان امروز قبول کرد).^۸

۳. استفاده از آرای مفسران در تفسیر موضوعی

تئوری پردازان تفسیر موضوعی، مراجعه به تفاسیر و آرای مفسران را به قصد دریافت معانی الفاظ، رابطه بین واژه های جمله، پیوند آیات ۹ و آشنایی با زوایای مختلف موضوع مورد مطالعه، سودمند دانسته اند.^{۱۰}

سعید حوی نویسنده (الاساس فی التفسیر) تفسیر ابن کثیر و تفسیر نسفی (عمر بن محمد نسفی ۴۶۲ - ۵۳۸هـ) را مبنای کاوشهای خود در تفسیر موضوعی قرار داده است. ۱۱ نامبرده فهم و نظر

این دو مفسر را بی چون چرا پذیرفته است و با آرای آنان، به مطالعات موضوعی پرداخته است، این درحالی است که در اصل برخی مفسران چون علامه طباطبایی، آرای دیگران را نقل می کند، ولی هرگز آنها را به طور مطلق مبنا قرار نداده است، بلکه پس از نقد و بررسی نظر برتر را برگزیده و با دلیل پایه های آن را مستحکم می سازد.

بنت الشاطی می نویسد:

(غرض از نقل آرای مفسران این است که نظرسازگار با نص را از بین اسرائیلیات و تأویلات مذهبی، بیابیم.) ۱۲

در برخی تحقیقات و پژوهشهای تفسیری دیگران، چون محمد عبده و شهید صدر دیدگاه مفسران دیده نمی شود. ۱۳

بنابراین، آرای که مفسران در تفسیر ترتیبی اظهار داشته اند نزد همگان مبنا و ملاک شناخته نشده است و شماری از مفسران موضوعی یا به نقل اقوال نپرداخته اند و یا به منظور نقد و بررسی یاد کرده اند.

۴. نقش لغت، از نگاه مفسران موضوعی

لغت عرب، از ابزار مشترک و مورد قبول مفسران است و در تفسیر ترتیبی و موضوعی کاربرد انکار ناپذیر و گسترده ای دارد. نظریه پردازان تفسیر موضوعی نیز بر استفاده از لغت پافشاری دارند. بلی اشکال بهره گیری از لغت، در پژوهشهای قرآنی محققان، متفاوت است. برخی مانند نویسنده: (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم) معتقد است که فهم معارف قرآن در گرو آشنایی با مفاهیم کلمه ها و واژه هاست و خود نیز جهت یافتن معنی حقیقی و اصلی هر واژه از کتابهای لغت مان ند صحاح اللغه جوهري، لسان العرب ابن منظور، مجمع البحرين طریحی و... استفاده می کند و آن گاه استعمال آن واژه را در قرآن به بررسی می نشیند، ۱۴ تا معانی مقصود از کلمات را در کل قرآن به دست آورد. ۱۵

ولی امین الخولی یکی از پیشگامان تفسیر موضوعی - ادبی، از آنکا به آرای اهل لغت نگران است، زیرا معتقد است که واژه های عربی در مسیر تاریخ در سایه نهضت های فکری، سیاسی، دینی، برزبان امتهای مختلف از نظر رنگ، نژاد، و... جاری شده از این طریق دلالت آنها دستخوش دگرگون یها و تغییراتی گردیده است. به همین سبب مفسرناگزیر است که مدلول و معنی استعمالی این کلمات را در زمان نزول قرآن به دست آورد و آن گاه به سراغ قرآن برود تا ببیند که آن کلمات برای افاده چه معانی به کار رفته است.

۵. مددگیری از تاریخ در تفسیر موضوعی

به کارگیری تاریخ در تفسیر سابقه طولانی دارد. آیات زیادی وجود دارد که وقایع تاریخی را به روش مخصوص قرآن، یادآوری کرده است.

درنگاه مفسران موضوعی، اسباب نزول، مکان نزول، سرگذشت امتها و انبیاء پیشین ۱۷، ترتیب نزول و محیط مادی و معنوی سرزمین عربی در زمان نزول قرآن، همه از مصادیق تاریخی و در خدمت آشنایی با معارف قرآن است. ۱۸

امین الخولی می نویسد:

(آشنایی با محیط جغرافیایی عرب زمان نزول، از وسائل ضروری درک مفاهیم قرآن است. زیرا تمثیل ها و تشبیه های قرآنی که مواد آنها را پدیده های جوی، طبیعی و زیستی تشکیل می دهد وقتی قابل فهم است که ما با حیات مادی عربهای آن زمان آشنا باشیم. وقتی از اماکنی چون حجر، احقاف، مدین، محل سکونت ثمود و عاد، شناخت کافی نداشته باشیم، نمی توانیم مراد قرآن را در این رابطه ها به دست آوریم و اندرز و هدایت لازم را دریابیم.) ۱۹

آشنایی با فرهنگ عقیدتی و اجتماعی اعراب عصر نزول نیز ابزاری رهگشاست و هرآنچه با حیات عرب آن عصر ارتباط داشته، برای پی بردن به مقاصد قرآن مفید و ثمر بخش است. ۲۰

بعضی از مفسران موضوعی به صورت مبالغه آمیزی بر استفاده از تاریخ پافشاری دارند. البته برخی رعایت شرایط مکی و مدنی را در کارهای تفسیر خویش مورد توجه قرار داده اند و کسانی هم مطالعه گام به گام نزول وحی را مبنای درنگهای قرآنی خود دانسته ند. ۲۱

در مجموع می توان گفت که دخالت دادن تاریخ به معنای وسیع آن در حوزه تفسیر موضوعی، کار پیچیده و حساسی است زیرا با توجه به فاصله طولانی زمانی میان مفسران قرن ۱۴، با صدر اسلام و سردرگمیها و غلط اندازیهایی که در تاریخ و تاریخ نگاری رخنه کرده است، به دست آوردن تاریخ صحیح، کار دشوار است. حتی در اسباب نزول که قلمرو محدود تر و مشخص تری نسبت به کلّ مباحث تاریخی دارد و می بایست دقیق تر و درخور اعتمادتر باشد، این سردرگمی وجود دارد و تشخیص اسباب نزول واقعی کاری است کارستان و دشوار.

۶. کارکرد عقل در تفسیر موضوعی

کم نیست مواردی که قرآن با تعابیر مختلف، انسانها را به تعقل و اندیشیدن فراخوانده است. از جمله در آیات مربوط به حجّ، حقوق خانواده، مسائل مربوط حقوق زنان و ... می فرماید:

(كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تعقلون) بقره / ۲۴۲

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند شاید خرد را کار بندید.

و بعد از رهنمودهای مختلف در زمینه های تاریخی، عبادی، دشمن شناسی و ... می گوید:

(قد بينالكم الايات ان كنتم تعقلون) آل عمران / ۱۱۸

براستی که این آیات را برای شما روشن کردیم اگر خرد را کار بندید.

در این آیات عقل وسیله رهیابی به معارف حقیقی شناخته شده است. ۲۲

و از این روست که در بیش تر تفاسیر جز تفاسیر روایی به گونه ای از رهنمودهای عقل و دلایل عقلانی در فهم قرآن، بهره گیری شده است.

شهید صدر می نویسد:

(روش جزء نگری در تفسیر قرآن چندین قرن بر تفسیر نگاری حاکمیت داشت و این ناشی از گرایش به تفسیر روایی و حدیثی بود که با ترکیب و مقایسه مفاهیم قرآن برای دستیابی به دیدگاه قرآنی، ناسازگاری داشت.) ۲۳

این سخن بدان معناست که می بایست مرز متن گرایی را شکست و با به کارگیری عقل، به سازماندهی معانی قرآنی پرداخت. بر همین اساس عقل گرایی در تفسیر عقلانی جدید که بر پایه وحدت موضوع در سوره ها و بررسی موضوعی معارف قرآن، استوار است، اصلی از اصول تفسیر موضوعی را تشکیل می دهد. ۲۳

در نگاه برخی مفسران قرن ۱۴، نه تنها عقل ابزار کارآمدی است که چه بسا عقل بر ظاهر قرآن حکومت دارد و در صورت تعارض با ظاهر شرع، بایستی شرع به گونه ای تفسیر شود که با عقل سازگار آید، بدین علت که خود قرآن لزوم عمل به عقل را سفارش کرده است و نمی تواند توصیه خود را لغو کند. ۲۴

رشد عقل گرایی در تفسیر، زیاده رویهایی را در پی داشت که نقدهایی را متوجه خود ساخت و مفسرانی را واداشت تا از این پدیده در تفسیر، به عنوان یک لغزش یاد کنند. ۲۵

۷. بهره بری از دانش تجربی در تفسیر موضوعی

قرآن دانش را وسیله ای برای اندیشه و درک برتر می شناسد:

(و تلك الامثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون) عنکبوت/ ۴۳

این مثالها را برای مردم می زنیم و جز دانایان آنها را در نمی یابند.

واز سوی دیگر قرآن از خشیت دانشمندان در مقابل عظمت الهی سخن به میان می آورد:

(آما یخشی الله من عباده العلماء) فاطر/ ۲۸

از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او در خشیتند.

این سخن دانشمندان را به مطالعه هستی دعوت می کند تا دامنه دانش و تعقل خود را گسترش دهند. سپس یافته های عقلانی و کشفیات علمی خود را برای شناخت مسبب الاسباب به کار گیرند،

تا همگام با فزونی معرفت، خشیت الهی نیز در آنها، افزایش یابد. ۲۶

بنابراین، هر دانشی که وسیله تعقل در آیات الهی باشد می تواند در خدمت فهم قرآن برآید و مفاهیم، اسرار و حکمتهای آن را آشکارتر سازد.

پس از این مقدمه کوتاه به سراغ دیدگاه مفسران تفسیر موضوعی می رویم تا نوع داوری آنان را درباره علوم مورد توجه قرار دهیم.

واقعیت این است که مفسران در این زمینه متفاوت سخن گفته اند و شخصیتهای پرآوازه ای چون شلتوت، رشید رضا، امین الخولی، عباس محمود عقاد، زرقانی و سید قطب با تفسیر علمی به

مخالفت برخاسته اند. ۲۷

بعضی چون محمد عبدالله دراز، مصطفی صادق رافعی و محمد احمد عمرآوی، راه اعتدال و میانه روی را پیش گرفته اند. ۲۸ و دسته ای چون محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، عبدالعزیز اسماعیل، حنفی احمد و عبدالرزاق نوفل، راه افراط را پیموده اند. ۲۹

مفسران تفسیر موضوعی از سویی می گویند: این برای ما کافی است که قرآن سخن ناسازگار با علم ندارد و منادیان تفسیر علمی بایستی این مطلب را مورد توجه قرار دهند. ۳۰ از سوی دیگر عملاً در تفسیر، از دانش جدید بهره برده اند و این امر شگفتی بعضی را برانگیخته است. ۳۱

اما آنچه این دوگانگی در گفتار و عمل مفسران را توجیه می کند این است که منکران استفاده از علم، نگران به کارگیری نظریات علمی به صورت ناسنجیده و بی معیار بوده اند و مخالفتی با حضور اندیشمندان در محضر قرآن نداشته اند.

استاد جوادی آملی که از مخالفان تفسیر علمی است، اظهار می دارد:

(قرآن در دلالتش به چیزی نیاز ندارد و کسی حق ندارد چیزی از یافته های بشری را بر وحی تحمیل کند... ولی تحصیل علوم، ظرفیت دل را گسترش می دهد و مایه تحمل صحیح و قابل توجه معارف قرآن می شود... و تحمل علوم قرآنی در پرتو علوم و معارف بشری رواست). ۳۲

ملاکهای دسته بندی و گونه های تفسیری

تحقیقات و دست آوردهای ناشی از آن در بخش تفسیر موضوعی در قرن ۱۴، سبک و شیوه همسانی نداشته و هر مفسری، دیدگاهی از دیدگاههای قرآنی را به گونه مورد پسندش توضیح داده است.

تقسیم و دسته بندی تفاسیر موضوعی نیز همچو دیگر مباحث این حوزه معرفتی، هنوز به اصول مندی لازم نرسیده است، ولی به اجمال می توان گفت که نوع نگرش به تفسیر موضوعی و تعریفی که مفسر برای آن دارد، از جمله عوامل مؤثر بر ساختار و محتوای آن است.

چنانکه گفته شد در تعریف تفسیر موضوعی دو دیدگاه وجود دارد. بعضی مطالعه تجربه بشری و نظر قرآن را همزمان و به صورت مقایسه ای سفارش می کنند. و برخی تنها روی موضوعات قرآنی و استقراء و جمع آوری تمام آیات متعلق به یک موضوع، اصرار می ورزند.

این دو نگرش، تفاوتی را در متن کار تفسیری باعث شده است که به مواردی از آن اشاره خواهیم داشت.

الف. تفسیر موضوعی استقرائی و تفسیر موضوعی گزینشی

کسانی که تلقی دوم را پذیرفته اند، در مقام تحقیق باید اهتمام خود را متوجه شناسایی ارتباط و پیوستگی تمامی آیاتی که ممکن است ناظر به هم باشند، بکنند.

عفت شرقاوی ۳۳ و مکارم شیرازی ۳۴ که در تعریف تفسیر موضوعی استقراء کل قرآن و جمع آوری تمام آیات وابسته به یک موضوع را لازم دانسته اند، در عمل نیز به شناسایی و گردآوری تمام آیات مربوط به یک موضوع، پرداخته و تقریباً با روش همانندی، به ذکر آیات و تفسیر مفردات هر آیه پرداخته اند. ۳۵ ولی درآز می نویسد:

(ضروری نمی دانم که به گونه فراگیر تمام آیات مربوط به یک موضوع را گردآورم، بلکه به آیاتی توجه دارم که بیانگر قواعد رفتار است.) ۳۶

شهید صدر که عینیتها و نیازهای بیرونی را زمینه ساز طرح سؤال از قرآن می داند، نیز از روش گزینش آیات استفاده کرده و درمباحث (المدرسة القرآنیة) درپرتو آیات معدودی، مطالب را تشریح می کند.

مقالات تفسیری که در آن مشکلی به بحث گرفته شده و درنهایت با مطرح شدن آیه ای نظر قرآن بازگو می شود، از مصادیق روشن تفسیر موضوعی - گزینشی است. ۳۷ و پایه گذار این روش سید جمال الدین است. ۳۸

ب. تفسیر موضوعی - سیستمی و تفسیر موضوعی غیرسیستمی

برخی مفسران به کشف و شناسایی عناوین، توجه بیش تری مبذول داشته اند تا سازماندهی منطقی و علمی عناوین؛ مثلاً (پیام قرآن) چهل عنوان مختلف و مربوط به باب شناخت را تحت عنوان کلی (۴۰ نکته قرآنی درباره اهمیت علم و آگاهی) مطرح می کند. ۳۹

ولی دراز، مسأله سازماندهی مطالب را مهم می شمارد و می نویسد:

(به جای طرح مسائل بر اساس نظم سور قرآن و یا حروف ابجد، نظام منطقی را برگزیده و در کاروی متنهای قرآنی برپایه نوع علاقه که اساس سازماندهی بین آنها به حساب می آید، در فصلها گنجانده می شود، وجهت سهولت دستیابی به مطالب، عناوین فرعی نیز داخل و هر دسته از آیات، انت خاب می شود.) ۴۰

توجه واهتمام ویژه نویسنده، به تنظیم منطقی مطالب در (در دستور الاخلاق فی القرآن) به روشنی دیده می شود و این روش جاذبه خاصی را در کار تفسیر موضوعی پدید آورده است.

در کتاب (المدرسة القرآنیة) نیز پیوند منطقی مطالب، اساس فصل بندی را تشکیل داده و ساختمان کلی این اثر از توازن علمی خوبی برخوردار شده است.

ج. تفسیر موضوعی برون گرا و تفسیر موضوعی درون گرا

سومین تقسیم استوار بر دو نوع تلقی از تفسیر موضوعی، روش مقایسه ای (برون گرا) با سبک متن گرا (درون گرا) است.

برخی از مفسران یکسره به سراغ قرآن رفته و به جمع آوری آیات به صورت موضوعی پرداخته و سپس به مطالعه و تفسیر واژه ها و ... همت گمارده اند. برخی دیگر، در دست داشتن تجربیات بشری را به هنگام روی آوری به تفسیر موضوعی قرآن، برای مفسر ضروری شمرده اند.

محمد البهی بیش از ده سوره قرآن را برپایه اندیشه وحدت موضوع در سوره های قرآن تفسیر کرده است و مسأله (روش قرآن در ایجاد دگرگونی در جامعه) را نیز به صورت موضوعی به مطالعه گرفته است بدون این که تجربه بشری را در این رابطه یادآور شود و این مثال روشنی است برای نفس یر

درون گرا واز همین گونه است بررسیهای موضوعی استاد جوادی آملی که در آن نمودهای مقایسه و تطبیق مشهود نیست.

نوع دوم، نه تنها مثالها ومصادیق فراوانی دارد که خود دارای دوگونه عمده می باشد: یکی از گونه های تفسیرمقایسه ای، مقایسه بین قرآن و سایر کتابهای آسمانی است از قبیل: (درمقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم) تألیف دکتر موریس بوکای، ترجمه مهندس دبیر، که در آن آیات علمی این سه کتاب به صورت مقایسه ای به مطالعه گرفته شده و به صورت مکرر خدشه ناپذیری دیدگاههای علمی قرآن مورد تأکید قرار گرفته است.

کتاب (محمد فی التوراه والانجیل والقرآن) اثر ابراهیم خلیل و (المسیح فی القرآن والانجیل) تألیف عبدالکریم خطیب.

نوع دیگر تفسیر مقایسه ای، مقایسه نظریه قرآن با دیدگاه شخصیتها ومکتبهای زنده دنیاست. این گونه ای از تفسیر، در آثار علامه طباطبایی، شهید صدر، محمد عبدالله دراز، عباس محمود عقاد و سید قطب، دیده می شود.

تفسیر (فی ظلال القرآن) اثر سید قطب (دستور الاخلاق فی القرآن) از محمد عبدالله دراز، (الفلسفه القرآنیة)، (الانسان فی القرآن) از عباس محمود عقاد، بحثهای موضوعی تفسیرالمیزان ومباحث قرآنی شهید صدر این شیوه را با شدت وضعف به کار بسته اند.

علامه طباطبایی در ارزیابی نظر قرآن درباره زن، نخست، شخصیت زن را در عرف و قضاوت ملتها و جوامع مختلف در ادوار گوناگون عربی و غیرعربی، پیش روی مطالعه کننده قرار می دهد و آن گاه منطق و باور قرآن را باز می گوید و برتری انکارناپذیر قرآن را در نگاه عادلانه به زن و مرد و شخصیت انسانی آن دو به تصویر می کشد. ۴۱

شهید صدر تحت عنوان (چهارچوب کلی اقتصادی اسلامی) به مشکل بنیادین در زندگی اقتصادی بشر اشاره کرده، می نویسد:

(انسان دوگونه خواسته دارد: خواسته های طبیعی وخواسته های اجتماعی که با همکاری جامعه درخور تأمین است وهرکدام نیاز به قوانینی دارد واجرای آن قوانین نیازمند انگیزه رعایت است.

انگیزه پی گیری خواسته های طبیعی، مشکلی ندارد. مهم ایجاد انگیزه رعایت مصالح اجتماعی است که بیش تر با انگیزه حفظ مصالح فردی و خواسته های طبیعی در تضاد است. مثلاً تضمین درآمد کارگر درایام تعطیلی با مصلحت شخصی صاحب کار سازگاری ندارد. انگیزه شخص موقع رویارویی با این تضاد، افراد را وا می دارد که مصالح شخصی شان را بر مصالح دیگران مقدم دارند. این تناقض در زندگی همه انسانها مطرح است وبایستی انگیزه تأمین مصالح جمعی در آنها به وجود آید.

مارکسیسم به این مشکل توجه کرده وحل آن را به شکل گیری جامعه بی طبقه متوقف می داند، که در آن مالکیت جمعی پدید آمده وانگیزه فردی جای خود را به انگیزه اجتماعی داده باشد. ولی مادیت تاریخی پایه علمی ندارد. انگیزه فردی هیچ گاه از بین نمی رود، بنابراین حل مشکل در این مکتب میسر نخواهد بود.

پیشرفتهای علمی نیز نمی تواند این تضاد را حل کند؛ زیرا وظیفه علم کشف واقعیتهاست و نمی تواند به فرد انگیزه ایجاد دگرگونی در وضعیت موجود دهد و تنها این است که می تواند این مشکل را حل کند. دین با مطرح کردن زندگی ابدی که محوریت از لذتهای مادی محدود، پاداشش نعمتهای ابدی است، دید انسان را درباره مصالحش تغییر می دهد. در پرتو این تحول، انسان رعایت مصالح دیگران را، پاسداری از مصالح شخصی خود می شمارد. قرآن بر این مطلب اصرار دارد و در پی این است که دیدگاه فرد را نسبت به مصالحش تغییر دهد. قرآن در این باره می فرماید:

(ماکان لأهل المدینة ومن حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بانفسهم عن نفسه ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في سبيل الله ولا يظؤون موطئاً يغيب الكفار ولا ينالون من عدو نيلاً الا كتب لهم به عمل صالح ان الله لا يضيع اجر المحسنين* ول اینفقون نفقة صغيرة ولاكبيرة ولا يقطعون وادياً الا كتب لهم لیجزیهم الله أحسن ماكانوا یعملون)

< توبه / ۱۲۰ و ۱۲۱

سزاوار نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنان هستند، از دستور رسول خدا تخلف کنند و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم ببوشند! این به خاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه غیر خدا به آنان نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود بر نمی دارند و غنیمتی از دشمن نمی گیرند، مگر این که به خاطر آن، عمل صالح برای آنها نوشته می شود، زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند.)

شهید صدر، علاوه بر این آیه از آیات سوره های: مؤمن / ۴۰، فصلت / ۴۶، زلزله / ۶، آل عمران / ۱۶۹ نیز سود برده است. ۴۲

با همین سبک و شیوه، به بررسی اساس و ریشه مشکلات اقتصادی از نگاههای مختلف در جوامع انسانی پرداخته و دیدگاه سرمایه داری و مارکسیسم را در زمینه حل این مشکل توضیح می دهد و در نهایت نظر قرآن را به عنوان نظر برتر ارائه می دهد. ۴۳

۲. تفسیر ترتیبی - موضوعی و تفسیر موضوعی خالص

سه نوع تقسیمی که تا حال مطرح گردید و به گونه ای به نوع برداشت و تلقی، از تفسیر موضوعی مربوط می شد. در حقیقت محور واحدی داشت و به همین دلیل ما هر سه تقسیم را، تقسیم تفاسیر موضوعی بر پایه تعریف مفسران از تفسیر موضوعی دانستیم.

دومین محور برای تقسیم مطالعات قرآن، استقلالی یا ضمنی بودن پژوهش موضوعی است. بدین معنی که گاه در لابه لای تفسیر ترتیبی، مفسر به تحقیق موضوعی می پردازد و گاه به صورت مستقل به تحقیق موضوع از نگاه قرآن همت می گمارد.

دکتر محمد ابراهیم شریف این تقسیم بندی را مورد توجه قرار داده و تفسیر شلتوت را مصداق تفسیر (ترتیبی - موضوعی) دانسته است و اظهار نظر محقق را نقل می کند که گفته است آمیختگی تفسیر ترتیبی با تفسیر موضوعی از آن رو اهمیت دارد که این گونه تفسیر نه کاستی تفسیر ترتیب

ی را دارد و نه کاستی تفسیر موضوعی مستقل را ۴۴ پردازش نسبی موضوعات قرآنی در متن تفسیر ترتیبی تاریخ طولانی دارد، و در تفسیر ابن کثیر، فخر رازی، قرطبی و آلوسی، نمونه هایی برای آن به چشم می آید. ۴۵ ولی در قرن چهارده، رویکرد به مطالعات موضوعی در متن تفسیر ترتیبی، به گونه ای بسیار آشکار مشهود است.

شاید به این دلیل که در این قرن بیش تر مفسران، توجه به اصلاح زندگی فردی و اجتماعی داشته و رسیدن به این هدف را در پرتو قرآن و استنباط و ارائه دیدگاه های آن جست و جو کرده اند و بر پایه چنین هدف گیری، این روش را برگزیده اند. بین مفسران این قرن که در اثنای تفسیر ترتیبی، به کشف نظریات قرآن در زمینه های مختلف پرداخته اند، علامه طباطبایی و سید قطب توجه جدی تری به این روش داشته اند، بویژه علامه که مباحث موضوعی بسیاری را تحت عناوین: قرآنی، فلسفی، اجتماعی، عقلی، قرآنی و تاریخی و روائی به بحث گذاشته است.

۳. نقش گرایشهای مفسر، در پیدایش گونه های تفسیری

گرایشها و رویکردها یکی دیگر از مبانی دسته بندی تفسیر موضوعی است. به این معنی که علاقه مندی مفسر، به زاویه ای از زوایای زندگی و یا به دانشی از دانشهای بشری، وی را بر این واداشته که گرایشش را در تفسیر دخالت داده و براساس آن سمت و سوی حرکت پژوهشی خود را تعیین کند و به همین دلیل کلمه (الاتجاه) که به مفهوم روی آوردن و متوجه شدن است، ۴۶ پیشوند بخشهایی از تفاسیر و یا عنوان پژوهشهای تفسیر شناسی در عصر حاضر، قرار گرفته است، از قبیل: (الاتجاه العلمي)، (اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر) و (اتجاهات التفسیر فی العصر ال حدیث). جهت گیریهایی که در قرن چهارده در حوزه تفسیر موضوعی رخ نموده عبارتند از:

* تفسیر موضوعی - اجتماعی

حرکت عمده ای که در قرن چهارده مفسران را متوجه خود ساخت، جهت گیری اجتماعی است که به برکت آن تحقیقات همه جانبه ای در زمینه دیدگاههای اجتماعی قرآن صورت گرفت. حاصل این پژوهشها کتابهای چندی است که در زمینه های حکومت، وحدت، آزادی، تعلیم و تربیت، اصلاحات اقتصادی، حقوق زن از دیدگاه قرآن، تدوین یافت.

نگرش نو به مسائل اجتماعی قرآن که از مصادیق بارز تفسیر موضوعی شمرده شده است، ۴۷ در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیست شکل گرفت. یکی از عوامل روی آوری مفسران به این نوع از مباحث، قرار گرفتن آنان در مصاف با فرهنگ استعماری غرب بود؛ زیرا آنان در این پژوهش برتری ذخای فرهنگی خود و استقلال علمی جوامع اسلامی را جست و جو می کردند. ۴۸

سید جمال الدین اسدآبادی در شمار پیشتازان این حرکت تفسیری است و پس از وی محمد عبده، طنطاوی جوهری، اقبال، عبد الحمید بادیس را باید یاد کرد. ۴۹

تبیینهای قرآنی متکی بر مسائل اجتماعی، سالهای متممادی به صورت پراکنده ادامه یافت و تا مدت‌ها روشمند نشد. از این رو مالک بن نبی در روزگار خود از رشدنکردن روش تفسیر با گرایش اجتماعی اظهار تأسف داشت. ۵۰

به هر حال دراز، در شمار نخستین کسانی است که قبل از ورود به تفسیر، دیدگاه قرآن را در زمینه مسائل اجتماعی و اخلاقی مورد بررسی قرار می‌دهد و به تأسیس روش و منهج نیز دست می‌زند. ۵۱

* تفسیر موضوعی - علمی

تفسیر علمی، نوع دیگری از گونه‌های تفسیرموضوعی است که برپایه توجه به دانش جدید شکل گرفته است. وانگیزه پایه گزاران آن نیز رویارویی با استعمار و اثبات سازگاری قرآن با کاروان تمدن ۵۲ و اثبات اعجاز علمی این کتاب آسمانی ۵۳ و شناخت خداوند، بوده است. ۵۴

البته این حرکت تفسیری، در کنار همه دقتها و راهگشاییهایش، خالی از زیاده روی و شتاب زدگی نبوده است و چه بسا برداشتهایی به نام دیدگاه علمی قرآن به ثبت رسید که برای آشنایان به تفسیر و اصول آن، غیرقابل قبول می‌نمود! به همین دلیل برخی در تعریف تفسیر علمی گفته‌اند: (تفسیر علمی، تفسیری است که به قصد استنباط مسائل علوم و آراء فلسفی، در آن اصطلاحات علمی بر تعبیرات قرآنی تحمیل می‌شده است). ۵۵

وجود افراط و شتاب زدگی در برخی تفاسیر علمی سبب شد که شماری با آن به مخالفت برخیزند. ۵۶

با این که انکار وجود برخی دیدگاههای علمی در قرآن دشوار است و مخالفتهایی که دیده می‌شود عمدتاً ناظر به آثار مکتوبی است که فرضیه‌های علمی را برقرآن تحمیل کرده‌اند و یا به گونه سطحی و غیرمستدل آرای علمی را به انظار قرآنی پیوند زده‌اند، درحالی که این هردو براساس پیش شرطهای تفسیر علمی، قابل قبول نیست. ۵۷

این گونه است که فردی چون (شلتوت) که از مخالفان تفسیر علمی شمرده شده است، محمد ابراهیم شریف پس از مطالعه در آثار وی بدین نتیجه می‌رسد که شلتوت تفسیر قرآن را با حقایق تثبیت شده علمی را روا می‌دانسته است. ۵۸

به هر حال تفسیر علمی همانند هر حرکت علمی دیگر، بدون طرح قبلی تولد یافت و به همین دلیل دستخوش زیاده رویهایی شد، ولی به تدریج ضوابط بایسته‌ای برای آن پیشنهاد گردید و مفسران علمی مقصودشان را از تفسیر علمی توضیح دادند.

دکتر عدنان شریف در تعیین قلمرو تفسیر علمی می‌نویسد:

(اگر علم عبارت است از قواعد مورد اجماع متخصصان و مورد قبول عقل که منطق، حواس، تجربه و زمان، درستی آنها را ثابت کرده باشد، جز علوم طبیعی مادی از قبیل فیزیک، شیمی، پزشکی، نجوم و... تحت این عنوان باقی نمی‌ماند). ۵۹

دکتر موریس بوکای نیز، دیدگاه علمی قرآن را در همین دایره جست‌وجو می‌کند، وی می‌نویسد:

(کسی که برای اولین بار با چنین متنی (قرآن) روبه رو می شود، آنچه جلب توجهش می کند، فراوانی موضوعهای آن است بدین شرح: آفرینش، نجوم، شرح پاره ای مطالب راجع به زمین، طبقه حیوان، طبقه نبات و تولید مثل انسان. درحالیکه خطاهای علمی عظیمی در عهدین وجود دارد، درای نجا اثری از آن خطاها دیده نمی شود). ۶۰

ییوسف مروه، با توضیح بیش تری به مسأله پرداخته، می نویسد:

(به طور دقیق، ۶۷۰ آیه در کل قرآن به صورت پراکنده وجود دارد و دیدگاههای علمی مختلفی را، به بحث گرفته است که عبارتند از:

ریاضی با ۶۱ آیه، فیزیک با ۶۴ آیه، اتم شناسی با ۵ آیه، شیمی و نسبیت با ۶۲ آیه، نجوم با ۱۰۰ آیه، هواشناسی و آب شناسی با ۱۱۴ آیه، زیست شناسی با ۳۶ آیه، جغرافی با ۷۳ آیه و...) ۶۱
گام بعدی که در جهت روشمند شدن تفسیر علمی برداشته شده است، ارائه توصیه ها و پیشنهادها ذیل است:

۱. در هر مسأله بایستی تمام آیات مرتبط به آن جمع آوری شود و آیات در پرتو یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرند. ۶۲

۲. آیه زمانی می تواند به وسیله نظریه علمی تفسیر شود که آن نظریه علمی به مرحله قطعیت و تثبیت رسیده باشد. ۶۳ و متخصصان درباره آن اختلافی نداشته باشند. ۶۴

از جمله کتابهایی که با گرایش علمی به تفسیر قرآن یا آیاتی از آن پرداخته اند به کتابهای ذیل می توان اشاره کرد: قرآن و روان شناسی، تحقیق دکتر محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، (من علم الطب القرآنی) نوشته دکتر عدنان شریف، (الاسلام فی عصر العلم) تدوین یافته به وسیله محمداحمد غمراوی و... .

* تفسیر ادبی - موضوعی

رویکرد به ادبیات عرب، گرایش دیگری است که اساس پیدایش تفسیر (ادبی - موضوعی) قرآن را تشکیل داده است. امین الخولی که از طرّاحان تفسیر ادبی است، قرآن را کتابی ادبی و مایه پایداری و جاودانگی ادبیات عرب دانسته است. از نگاه وی، مطالعه ادبی قرآن، حقیقت تفسیر را تشکیل داده و دسترسی به مسائل قانونی، عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی [قرآن] را میسر می سازد. امین الخولی، تفسیر مورد نظرش را بر دو پایه استوار می داند:

(۱) بررسی مسائل پیرامونی

مفسر بایستی، نخست، به مطالعه دانشهایی که امروزه نام (علوم قرآن) را به خود گرفته است، بپردازد [که شامل اسباب نزول، شناخت آیات مکی و مدنی، محکم و متشابه و... است] و همچنین با سفر به عمق تاریخ به قصد دسترسی به زمان و مکان نزول قرآن، محیط عصر نزول قرآن را در دو بعد مادی و معنوی به مطالعه گیرد و نیز در پرتو آشنایی با زبان، ادبیات، آداب و عرف رایج آن زمان جامعه غربی، به صورت کامل، نایل آمده و از این طریق ذوق و سلیقه انسان عصر نزول را در خود پدید آورد.

۲. بررسی محتوایی قرآن

در قدم دوّم، خود قرآن را به مطالعه گرفته و مفهوم شناسی را در بخش واژه ها و کلمات، در پرتو لغت عرب زمان نزول قرآن و استعمالهای مختلف خود قرآن، پی گیری نماید و در فهم جمله ها و مرکبات کتاب وحی از علم نحو، بلاغت بهره گیرد. و مطالعه قرآن را به صورت موضوعی و جبهه ه مت خود قرار دهد. ۶۵

روش پیشنهادی امین الخولی، طرفدارانی پیدا کرد که یکی از آنان عایشه بنت الشاطی، نویسنده معروف مصری است. وی که اثر تفسیری خویش را به استادش امین الخولی اهدا می کند، در مقدمه به روش پیشنهادی امین الخولی، اشاره دارد و براین که کار تفسیر او بر روش مورد قبول استادش استوار است، تأکید می ورزد. ۶۶

بنت الشاطی که چهارده سوره کوچک قرآن را به روش ادبی - ترتیبی، تفسیر کرده است، بر موضوعی بودن کار تفسیری خویش سخت معتقد است. ۶۷ ولی (دغامین) این نامگذاری را واقع بینانه نمی داند، ۶۸ شاید بدین دلیل که در تفسیر بنت الشاطی موضوع شکافی صورت نگرفته است.

در این نوع تفسیر واژه ها با توجه به استعمالهای مختلف آن در کلّ قرآن، معنی شناسی می شود. به همین دلیل امین الخولی، طرح و شیوه پیشنهادی خود را به صورت ناقص، در مفردات راغب، مشاهده می کند؛ زیرا در این اثر قدیمی، راغب اصفهانی از لغت و استعمالهای همانند، در فهم معانی واژه های قرآنی، بهره گرفته است. ۶۹ براین اساس اطلاق تفسیر موضوعی، براین کاوش ادبی، به لحاظ بررسی یک لغت و موارد استعمال آن در سراسر قرآن است.

بر پایه این تصور از تفسیر موضوعی، (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم) اثر حسن مصطفوی و (اضواء البیان) تفسیر محمد امین شنقیطی، را نیز باید جزء تفاسیر موضوعی - ادبی شمرد، زیرا در هر دو، کاوشهای محققانه لغوی و تتبع کلّ قرآن به قصد شناخت استعمالهای همانند، جهت فهم معنی کلمات، انجام شده است.

تفسیر شناسانی که پدیده تفسیر موضوعی را، مورد مطالعه قرار داده اند، تلاشهای تفسیری را که در آنها معنی شناسی واژه های قرآنی با جمع آوری تمام آیات است همواره به عنوان یکی از مصادیق تفسیر موضوعی معرفی کرده اند. ۷۰

ناهنجاریها در تفسیر موضوعی

تفسیر و تفسیرنگاری، دشوارترین کار فکری، در حوزه پژوهشهای اسلامی است، زیرا مخلوقی به تبیین کلام خالق دست می زند که درباره او گفته شده است (وماوتیتیم من العلم الا قليلاً) (اسراء/۸۵)، به تبیین کتابی می نشیند که مشتمل بر محکّمات و متشابهات است و دارای ظاهر و باطن است. افزون براین، مفسر همواره در معرض این خطر قرار دارد که یافته های مختلف ذهنی خود را به جای مراد الهی قالب زده، در دسترس دیگران قرار دهد، و بدین وسیله گناهی را مرتکب شود که پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) درباره آن، سخت ترین هشدارها را داده و گناه چنین مفسری را، نابخشودنی و کیفر او را سنگین دانسته اند.

توجه به خطر راه یافت لغزش در تفسیرموضوعی، این خواست را در پی دارد که ریشه یابی لغزشها، در تفسیرموضوعی با عنایت ویژه ای از سوی پاسداران معارف قرآنی، انجام گیرد و راههای درخور پذیرشی برای جلوگیری از تکرار آن ارائه گردد تا هم روند انحرافی در تفسیر، مهار شود و هم دیدگاههای قرآنی به گونه ای که هست در اختیار تشنه کامان زلال قرآن، قرار گیرد. محورهای عمده ای که روی آوردن بدانها، لغزشهای تفسیرموضوعی را در پی داشته عبارتند از:

۱. پیشداوریها

پیشداوری و پیش فرض، معنی وسیعی دارد. در بیش تر لغزشهای فکری، اندیشه ای از پیش رسوخ کرده در ذهن مفسر، نتایج پژوهش او را به رنگ و بوی خود در می آورد و بدان جهت می دهد. محمد بهی در کنار تفسیر برخی سوره های قرآنی، زیر عنوان (تفسیر موضوعی) بررسی موضوعی نیز دارد به نام (منهج القرآن فی تطویر المجتمع).

وی در این کتاب شیوه قرآن را در ساختن جامعه آرمانی به جای جامعه مادی، توضیح می دهد. نامبرده تحقیق خویش را بر این باور بنیاد نهاده است که آیات مدنی در پی تشکیل جامعه اسلامی اند، با این روش که نخست روش جاهلی را مورد انتقاد قرار می دهد تا زمینه نزول (نهی) که آم ادگی روحی بیش تری را می طلبد، فراهم آید. بدین ترتیب، نزول آیات قرآن تدریجی بوده و وحی جدید، همیشه بیانگر مرحله جدید و متکامل تر عمل براساس ایمان ووحی به حساب می آمد.

محمد بهی با چنین پیش فرضی به کار تفسیر و دسته بندی آیات می پردازد و روش قرآن را در کار ساختن جامعه به تصویر می کشد و در این جهت آیاتی را آورده است که ترتیب آنها (آن گونه که او تصویر کرده است) دلیل علمی و مستند تاریخی و روایی و سبب نزولی ندارد، مانند آنچه در زمینه ربا و حکم تدریجی آن یاد کرده است ۷۱ و نیز آنچه در زمینه تشریح نماز و زکات و زمان نزول هر یک تعیین کرده است، در صورتی که شناسایی زمان نزول آیات، یکی از مشکل ترین کارها در حوزه تفسیر قرآن است.

علم زدگی

رویکرد بیش از اندازه در به کارگیری دانش جدید، برای تفسیر قرآن، یکی از عوامل لغزش و نادیده گرفتن اصول تفسیر موضوعی است.

دکتر خزائلی، در پرتو این دست یافت علمی، که مبدأ آفرینش انسان به موجود ذره ایی سلول نام برمی گردد، که در نطفه وجود دارد و همین سلول در پی نشو و نما، به دوسلول تقسیم می گردد، در تفسیر آیه ذیل می نویسد:

(هوالذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیهما) اعراف / ۱۸۹

او خدایی است که همه شما را از نفس واحدی آفرید، و همسرش را نیز از جنس او قرار داد. به نظرمی رسد که مراد از (نفس واحده) سلول، یعنی ذره ای باشد که در نطفه موجود است و پس از نشو و نما به دو سلول تقسیم می شود.) ۷۲

عبدالرزاق نوفل از این هم جلوتر رفته و در تفسیر آیه فوق و آیات مشابه آن (نساء / ۱ و انعام / ۹۸) می نویسد:

(الکترون، جوهر و واحد آفریده ها را، تشکیل می دهد و تعادل و آرامش آن با زوج آن یعنی پروتون است زیرا بار مثبت پروتون و بار منفی الکترون، باعث تعادل و توازن اتم می شود). ۷۳
این در حالی است که مطالعه همه آیه به روشنی نشان می دهد که این تفسیرهای علمی نمی تواند منظور خداوند باشد، زیرا در ادامه آیه سخن از نیایش و درخواستهای و عکس العملهای این زوج است و این معانی در سلول یا الکترون مطرح نیست.

(هوآلذی خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها لیسکن الیهما فلما تغشّیها حملت حملاً خفیفاً فمرت به فلما اثقلت دعوا اللّٰه ربّهما لئن آتیتنا صالحاً لنکونن من الشّاکرین. فلما اتیهما صالحاً جعلنا له شرکاء فیما آتیهما فتعالی اللّٰه عمّا یشرکون)

اعراف / ۱۸۹ - ۱۹۰

او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد و چون سنگین شد، هردو از خداوند و پروردگار خود خواستند: اگر فرزند صالحی به ما دهی از شاکران خواهیم بود، اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنان داد، برای خدا در این نعمت که به آنان بخشیده بود همتایانی قائل شدند. خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند.

نمونه دیگر این علم گرایی را می توان در دیدگاه یکی از نویسندگان در مسأله آفرینش انسان از نگاه قرآن شاهد بود.

وی ریشه این باور را که آدم پدر انسانهاست و مستقیماً از خاک آفریده شده است، در تورات یافته و منشأ تقلید مفسران را از تورات بی اطلاعی از دانش جدید می داند و خود، بر حق بودن نظریه داروین دل بسته و به قرآنی بودن این نظریه، پافشاری عجیبی دارد. ۷۴

عقل گرایی و مصلحت مداری

خردگرایی برخی مفسران اهل سنت، از جمله نوآوریهای قرن چهارده و انقلاب و خیزش ایشان بر ضد متن مداری و تقلید گرایی حاکم بر حوزه فقهی - تفسیری آنان به شمار می آید.
عقل گرایی در تفسیر، مثل علم گرایی، نتوانست حدّ اعتدال را رعایت کند و در مواردی به زیاده روی منتهی شد.

گویا پیشتر از این خردگرایی در میان مفسران اهل سنت عبده بود که به عقیده رومی، دیگر مفسران خرد گرا، او را امام خویش شناخته اند ۷۵ عبده در تئوری و عمل، نص قرآن را به تبعیت از عقل ملزم دانسته و براین باور است که در صورت ناسازگاری، عقل بر ظاهر نص، تقدم دارد. ۷۶
شاگرد وی، رشید رضا نیز می نویسد:

(مصلحت عمومی در صورت ناسازگاری با نص واجماع، بر آن دو پیشی دارد). ۷۷

براین اساس عبده مفاصد قابل درک از سوی عقل را در تعدد همسر، با شرط رعایت عدالت، درهم آمیخته و بر نص قرآن (فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث...) (نساء/ ۳) و در بیان حکم ربا نیز گرفتن ربا را جهت جلوگیری از انتقال مال مسلمانان به کفار مجاز شمرده است. ۷۹

حنفی احمد در بررسی موضوعی آیات علمی قرآن تنها بدین دلیل که پرتاب سنگ توسط پرندگان، سرعتی را که باعث درهم کوبیده شدن ارتش ابرهه گردد، ندارد، می گوید مقصود از (طیراً ابابیل) سنگهایی بوده که پرنده وار در آسمان حرکت می کرده است و... ۸۰

سید قطب در مقام ارزیابی وریشه یابی زیاده روی عبده در عقل گرایی می نویسد:

(عبده در زمانی می زیست که عقل در اروپا به خدایی رسیده بود. در چنین شرایطی مستشرقان، اسلام را متهم می کردند که با طرح مسأله (قضا) و (قدر) عقل و خرد را به تعطیلی کشانده است. عبده به رویاروی با این اتهام برخاست و در گرماگرم مبارزه با جمود عقل در شرق، ندانسته ع قل بشری را هم وزن وحی قرار داد، غافل از این که وحی برتر از عقل است و وسیله سنجش درستی و نادرستی دریافتهای عقلی است و نه هم سنگ آن!) ۸۱

نفوذ اندیشه های بیگانه در تفسیر موضوعی

در قرن ۱۴، در اثر هجوم سنگین تفکر غرب همزمان با تضعیف شدید یافته ها و باورهای دینی در میان مسلمانان، شاهد نفوذ باورهای بیگانه در فرهنگ جوامع اسلامی و از آن جمله آرای تفسیری برخی مفسران موضوعی هستیم.

باور لیبرالیستی و تفکر سوسیالیستی و کمونیستی از جمله اندیشه های نفوذی بیگانه در قلمرو فرهنگ خودی است.

الف. گرایش لیبرالیستی

نویسنده کتاب (بازگشت به قرآن) در مباحثی تحت عنوان آزادی از دیدگاه قرآن، ضمن پاسخ و پرسشی فرضی می نویسد:

(بعد از فوت پیغمبران، مقامات دینی و مقدسین، انواع فشارها و اجبار و حدود و تعزیرات را بر سر مردم آورده و زندگی را بر منکرین و منحرفین سیاه و خونین می کردند، این چه آزادی و اختیار است که شاه می بخشد و شیخ علیشاه می گیرد.

دیدبان: عمل مقامات دینی و مقدسین را، نباید پای خدا و انبیاء بگذاریم. حساب آنها جداست. مگر بعد از موسی(ع) نمی دیدی که بعضی از علمای یهود پیغمبران را می کشتند و وقتی عیسی آمد، روحانیت رسمی یهود و متولیان معبد و محراب، حکم ارتداد او را صادر کرده و...)

کسانی که می خواهند به تصور خودشان برای دلسوزی به خلق یا اجرای امر خدا، مردم را به عنف، مؤمن یا عامل بدین نمایند و مانع گناه بشوند، دایه های مهربانتر از مادرند. نمی دانند که اگر خدا می خواست، خودش مردم را مجبور به اسلام و اطاعت می کرد.)

این نویسنده برای اثبات این باور یک سویه خود به بخشی از آیات قرآن تمسک جسته است بدون آن که زمان و شرایط و مورد نزول آن آیات را مورد توجه قرار دهد.

وی در یک استدلال دیگر مقصودش را به صورت روشن بیان می دارد:

(وقتی خدا طبق آیات و تذکرات مکرر قرآن به پیغمبرش اجازه تحمیل عقیده و مؤمن سازی اجباری را نمی داده و می گفته است تو فقط (بشیر) و (نذیر) یا هادی و تذکر دهنده بوده و وظیفه پیغمبران ابلاغ روشن است: (ما علی الرسول الاّ البلاغ المبین) (شوری / ۴۸)، به طریق اولی مقامات دینی و دنیایی، مأموران اجرا نبوده حق الزام فکری و عملی دین و تحمیل و تفتیش عقائد را ندارد.)

۸۲

این نویسنده آگاهانه و یا از روی ناآگاهی، به دلیل دلمشغولی به فرهنگ لیبرالیسم، میان آیات و پیامهای قرآن جدایی افکنده و برخی را پذیرفته و بعضی را نادیده گرفته است. و توجه نکرده است که آیات مورد استشهاد او مربوط به صدر اسلام و روزگار بی یاور و ضعف نظامی و ن پیروی انسانی مسلمانان بوده است و نمی توان آنها را در همه شرایط و برای همه مکانها و زمانها تعمیم داد. افزون بر این مایه شگفتی است که چرا این نویسنده آیاتی چون: (وقاتلوهم حیث ثقتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم) (۱۹۱/ بقره) و نیز آیاتی چون (وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله) (بقره / ۱۹۳) و همچنین آیات حدود و قصاص و... را نادیده گرفته است!

آیا این نوع نگرش به قرآن و تفسیر آن، مصداق ایمان به بعضی و کفر به بعضی دیگر نیست!

و آیا این روش، تحمیل باورهای خویش بر قرآن به حساب نمی آید!

آیا این نویسنده و همانند هایش معتقدند که دیات و قصاص و حدود و... ساخته و پرداخته مقامات دینی است و دین اصولاً اجرائیات ندارد و به فرد آزادی عمل می دهد تا در مسیر گناه تا هر جا می خواهد پیش رود!

آیا جزاین است که لیبرالیسم قوانین ساخته عقل و خرد را همراه با نفی حاکمیت شرع و قوانین و احکام خدائی و مقررات دینی، می پذیرد و معتقد است که با همفکری عده ای می شود قوانین تأمین کننده سعادت زندگی را قانونگذاری کرد.

تأثیر گذاری این گونه اندیشه ها از لیبرالیسم غربی، روشن تر از آن است که بشود بر آن سرپوش نهاد و در کوتاه سخن می توان به سخن شهید دکتر بهشتی اشاره داشت:

(حدود الهی بر ما تحمیل نیست، برای این که از دیدگاه اسلام، انسان دین را آزادانه و آگاهانه انتخاب می کند. وقتی انسان دین را انتخاب می کند به یک یک آورده های اسلام با تمام وجود عشق می ورزد و... اسلام مخالف آزادی است که انسان را به تباهی می کشاند و با اجرای قاطع حدود از

تباهیها پیش گیری به عمل می آورد.) ۸۳

ب. رویکرد ماتریالیستی

در سده چهارده، غرب برای جهان دو ارمغان فکری ارائه کرده است، تفکر لیبرالیستی و اندیشه ماتریالیستی. هر دو تفکر در جهت پایان بخشیدن به سلطه مذهب در زندگی فردی و اجتماعی، همانند بود و بر این اساس بایستی در همه حوزه های فکری راه می یافت!

نویسنده کتاب (برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن) از کسانی است که غبار باورهای بیگانه بردامان تحقیقاتش نشسته و تلاش دارد تا کمون اولیه را در محتوای آیات قرآن جست و جو کند. وی در ذیل آیه:

(ان لك الا تجوع فيها ولا تعرى. وانك لاتظموا فيها و لاتضحى) طه / ۱۱۸

تو در بهشت گرسنه و برهنه نخواهی شد و در آن تشنه نمی شوی و آفتاب آزارت نمی دهد.

می نویسد:

(در بهشت نخستین چنانکه گذشت و از آیات قرآن برمی آید نه محدودیتی بود و نه تملک خصوصی و نه سلطه شخصی و نه استثمار انسان از انسان. فرزندان آدم در این بهشت در کمال آزادی، به هر جا که می خواستند می رفتند و از هر چه می خواستند می خوردند و انسان توانسته بود... برادر وار به اشتراک زندگی کند.) ۸۴

سپس با استفاده از آیات : بقره / ۳۶ و طه / ۱۱۷ - ۱۲۱، که مسأله لغزش آدم در اثر وسوسه شیطان و هبوط آدم و حوا را از بهشت، مطرح می کند، می نویسد:

(طبقه قبلی که در آن برادری و برابری حاکم بود، با نزدیک شدن آدم به درخت ممنوعه که هدف از آن کسب ملک و ثروت و قدرتی بود که کهنه نشود و کاهش نیابد، تغییر کرد و به جای آزادی و برادری و اشتراک و فراوانی و آسودگی، ظلم و محرومیت و گرسنگی و تشنگی و برهنگی و سرانجام، عداوت و جنگ و ستیز بین فرزندان آدم پدید آمد.

در شرایط جدید وسوسه شیطان ممکن شد و انسانها اصول و مناسبات اولیه، بین انسان و طبیعت را زیر پا نهادند و در نتیجه طبقه ثروت مند و محروم به وجود آمد. این دو گروه که قبلاً برادر بودند و در صلح به سر می بردند، به جنگ و دشمنی با یکدیگر واداشته شدند.

حرکت بعدی جامعه انسانی از این به بعد، تحت تأثیر این تضادها ادامه یافت. وجود این خصومتها و تضادها، موجبات بعثت پیغمبران را فراهم آورد.) ۸۵

بدین ترتیب تعابیر و مبانی کمونیستی، مهر تفسیری می خورد و گویی آنچه در مکتب مارکس بدان سفارش شده، شکل گرفته است، که گفته اند:

(برای مبارزه با دین باید منابع ایمان توده ها را با مفاهیم مادی توضیح داد.) ۸۶

گسترش وسایه افکنی اندیشه های کمونیستی بر فضای روشنفکری و محافل استثمارستیز که سرمایه داری را مشکل اصلی جوامع می پنداشتند و در فراسوی نگاهشان، مکتب اقتدار یافته ای را جز مکتب مارکسیسم نمی دیدند، باعث می شد که ستیزه گران با حاکمیت کاپیتالیسم با گرایش به توجیه باورهای مارکسیستی، جامعه را بدان باورها سوق دهند. البته این اقدام به معنای ناباوری به اسلام و خدا و قیامت نیست، بلکه بیش تر جنبه التقاط و تأثیر پذیری و پیش داوری تحقیقی دارد.

این نمونه ها که در زمینه لغزشها یاد شد، هشدارى است به همه قرآن پژوهان بویژه درمیدان پژوهشهای موضوعی که ضوابط و ملاکهای مستحکمی را پایه رویکرد تفسیری خود قرار دهند و تلاش کنند که زلال پیام وحی را آن گونه که می بایست، هرچه ناب تر و پالوده تر از پیش داوریهها و گرایشهای فردی واجتماعی، مورد بررسی و شناسایی قرار دهند.

۱. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال وجمال، مرکز فرهنگی رجاء / ۴۹.
۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱/ ۱۲.
۳. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱/ ۱۶.
۴. شنقیطی، محمدامین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، عالم الکتب، ۱/ ۷ - ۳۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله، مقدمه ترجمه المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، ۱/ ۱۷.
۶. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۶/۱.
۷. رشید رضا، تفسیرالمنار، بیروت، دارالمعرفه، ۱/ ۱۰.
۸. موریس بوکای، مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس دبیر، دفتر نشر فرهنگ / ۳۲۹.
۹. دغامین، زیاد خلیل، منهجیه البحث فی التفسیرالموضوعی للقرآن الکریم، دارالبشیر / ۴۳.
۱۰. مصطفی مسلم، مباحث التفسیر الموضوعی، دمشق، دارالقلم / ۳۷.
۱۱. سعید حوی، الاساس فی التفسیر، دمشق، دارالسلام، ۱/ ۱۱.
۱۲. عایشه عبدالرحمن، التفسیر البیانى للقرآن الکریم، ۱/ ۱۰.
۱۳. مراجعه شود: به المدرسه القرآنیة، از صدر ومنهج القرآن فی تطویر المجتمع، از محمد البهی.
۱۴. آقای حسن مصطفوی کارش را به عنوان تفسیر موضوعی معرفی نکرده است، ولی از آن نظر که این، گونه ای از تحقیق مشابه تفسیر بیانی است و تفسیر بیانی از انواع تفسیر موضوعی شمرده شده است، می شود گفت: (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم) یک نوع بررسی موضوعی درمفاهیم ق رآنی است.
۱۵. مصطفوی، حسن، تهران، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱/ ۲ و ۳.
۱۶. امین الخولی، التفسیر ومعالم حیاته و منهجه الیوم / ۴۱ - ۴۴ به نقل از: رومی، فهد بن عبدالرحمن، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر / ۸۹۳ - ۸۹۵.
۱۷. دغامین، زیاد خلیل، منهجیه البحث فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم / ۳۹ - ۴۱.
۱۸. همان والتفسیر ومعالم حیاته و منهجه الیوم / ۳۶ و ۳۷ به نقل از: اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ۳/ ۸۸۷ و ۸۹۰ و ۸۹۱.
۱۹. امین الخولی، التفسیر ومعالم حیاته و منهجه الیوم / ۳۹ - ۴۱ به نقل از اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ۳/ ۸۹۰ و ۸۹۱.
۲۰. همان.

۲۱. برای آشنایی با نقش تاریخ در تفسیر از نگاه این دو مفسر، مراجعه شود به (بازگشت به قرآن) از بازرگان و منهج القرآنی فی تطویر المجتمع از محمد بهی.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۲۵۰.
۲۳. صدر، محمد باقر، المدرسة القرآنیة.
۲۳. رومی، فهد بن سلیمان، منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر، مؤسسه الرسالہ / ۲۸۴.
۲۴. مغنیة، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ۱ / ۱۶؛ محمد عبده، الاسلام والنصرانیة / ۷۲ - ۷۵ به نقل از: منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر / ۲۸۷.
۲۵. سید قطب، ویژگیهای ایدئولوژی اسلامی، ترجمه محمد خامنه ای، مؤسسه کیهان / ۶۲.
۲۶. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ۳۳۱ / ۲۴.
۲۷. ابو حجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت، دارقتیبه / ۲۷۵ - ۳۳۴.
۲۸. همان / ۲۱۹ - ۲۶۳.
۲۹. همان / ۱۶۹ - ۲۱۱.
۳۰. همان / ۳۰۲ - ۳۰۶.
۳۱. محمد البهی، منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر / ۲۷۳.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱ / ۷۴.
۳۳. شرقاوی، عفت، قضايا انسانیة فی اعمال المفسرین، بیروت، دارالنهضة العربیة / ۱۹۸ - ۱۰۷.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱ / ۲۱.
۳۵. از باب نمونه مراجعه شود به: پیام قرآن / ۱ / ۱۲۷ - ۱۳۷ و شرقاوی، عفت، قضايا انسانیة فی اعمال المفسرین / ۱۱۱ ک ۱۴۹.
۳۶. دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق فی القرآن / ۹ - ۱۰.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ۲۹ / ۱.
۳۸. محمد ابراهیم شریف، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، مصر، دارالتراث / ۴۶۷.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ۱ / ۵۴ - ۹۸.
۴۰. دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق فی القرآن، بیروت، مؤسسه الرسالہ / ۱۰.
۴۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۲۶۱ - ۲۷۷.
۴۲. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر / ۳۲۱ - ۳۲۹.
۴۳. همان / ۳۴۶ - ۳۷۲.
۴۴. محمد ابراهیم شریف، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، مصر، دارالتراث / ۴۳۶ - ۴۳۸.
۴۵. بیومی، محمد رجب، التفسیر القرآنی، مصر، المؤسسه العربیة الحدیثة / ۹۲.
۴۶. خلیل الجر، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان.

٤٧. مجله (قضايا اسلامية)، شماره ٢، مقاله (نحو تفسير اجتماعي للقرآن الكريم) از عبدالجبار رفاعي / ١٢، ١٩١ - ١٩٥.
٤٨. شرقاوي، عفت، الفكر الديني في مواجهة العصر / ٢٢٨ - ٢٩١.
٤٩. همان / ١٩٣.
٥١. دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق في القرآن / ٩.
٥٢. شرقاوي، عفت، الفكر الديني في مواجهة العصر / ٤٤٦ و ٤٥٢.
٥٣. عدنان شريف، من علم الطب القرآني، بيروت، دارالعلم للملايين / ١٥.
٥٤. دراز، محمد عبدالله، مدخل الى القرآن الكريم، كويت، دارالقلم، دارالقرآن الكريم / ١٧٦؛ مطهرى، مرتضى، آشنايى با قرآن، ١٩٧ / ٤.
٥٥. ذهبي، محمد حسين، التفسير والمفسرون، داراحياء التراث العربي / ٣٧٩؛ المحتسب، عبدالمجيد عبد السلام، اتجاهات التفسير في العصر الحديث، بيروت، دارالفكر / ٢٤٧.
٥٦. قضايا انسانية في اعمال المفسرين / ٨٨.
- جهت آشنايى بيشتر باموضع گيريهاي مختلف درقبال تفسير علمي مراجعه شود به التفسير العلمى للقرآن في الميزان / ٢٧٥ - ٣٣٤.
٥٧. محمد عبدالله دراز، مدخل الى القرآن الكريم، قسمت پاورقى / ١٧٦ و ١٧٧.
٥٨. محمد ابراهيم شريف، اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم في مصر / ٤٣٤.
٥٩. عدنان شريف، من علم الطلب القرآني / ٩.
٦٠. موريس بوكاي، مقايسه اى ميان تورات، انجيل، قرآن و علم، ترجمه مهندس دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامي / ٧٣.
٦١. يوسف مروه، العلوم الطبيعية في القرآن، بيروت، مطابع الوفاء / ٧٦.
٦٢. غمراوى، محمد احمد، الاسلام في عصرالعلم / ٢٥٠ - ٢٥٨، به نقل از اتجاهات التجديد في تفسيرالقرآن الكريم في مصر / ٦٧٦ و ٦٧٧؛ حنفى احمد، التفسير العلمى للآيات الكونية في القران، ط ٢. مصر، دارالمعارف / ٦؛ مقايسه اى ميان تورات، انجيل، قرآن و علم / ٢٦٩؛ عبدالرزاق نوفل، بين الدين والعلم / ١٤٤ - ١٤٦ به نقل از: التفسير العلمى للقرآن الكريم في الميزان / ٢١٠.
٦٣. عبدالعزيز اسماعيل، الاسلام والطب الحديث، ترجمه: سيد غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان / ١٤.
٦٤. سيدالاهل، من اشارات العلوم في القرآن / ٥٩ و ٦٠ به نقل از اتجاهات التجديد في تفسيرالقرآن الكريم في مصر / ٦٧٧؛ محمد عبدالله دراز، مدخل الى القرآن الكريم، پاورقى، / ١٧٧؛ عدنان شريف، من علم الطب القرآني / ٢٦.
٦٥. لجنة ترجمة دائرة المعارف الاسلاميَّة، ابراهيم خورشيد، دكتور عبدالحميد يونس، حسن عثمان، دائرة المعارف الاسلاميَّة، ط ١، بيروت، دارالكتب اللبنانى، ٧ / ٤٨ - ١٠٠.
٦٦. عايشه عبدالرحمن، التفسير البياني للقرآن الكريم، ١ / ١٠ و ١٣.
٦٧. همان، ١ / ١٨.

۶۸. دغامین، زیاد خلیل، منهجیة البحث فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم / ۳۹.
۶۹. لجنة ترجمة ...، دائرة المعارف الاسلامیة، ۷ / ۹۶.
۷۰. لجنة ترجمة ...، اصول التفسیر ومناهجه / ۶۶ و (مباحث فی التفسیر الموضوعی) / ۲۳.
۷۱. محمد البهی، المنهج القرآنی فی تطویر المجتمع، بیروت، دارالفکر / ۱۱.
۷۲. خزائلی، محمد، احکام القرآن، سازمان چاپ وانتشارات جاویدان، ۱ / ۱۷.
۷۳. عبدالرزاق نوفل، القرآن والعلم الحدیث، بیروت، دارالکتب العربی / ۱۵۵ - ۱۵۷.
۷۴. سحابی، یدالله، خلقت انسان، تهران شرکت سهامی انتشار / ۱۰۱ - ۱۰۵.
۷۵. رومی، فهد بن عبدالرحمان، منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر / ۲۸۷.
۷۶. عبده، محمد، الاسلام والنصرانیة / ۷۲ و ۷۳ به نقل از: منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر / ۲۸۷.
۷۷. محمد رشید رضا، المنار، ۵ / ۲۱۲.
۷۸. همان، ۴ / ۳۴۹.
۷۹. محمد رشید رضا، تاریخ الاستاذ الامام، ۱ / ۹۴۴، به نقل از: منهج المدرسة العقلیة الحدیثة فی التفسیر / ۴۰۲.
۸۰. حنفی احمد، التفسیر العلمی للآیات الکوئیة، دارالمعارف المصریة به نقل از: التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان / ۲۰۲.
۸۱. سید قطب، ویزگیهای ایدئولوژی اسلامی، ترجمه محمد خامنه ای، مؤسسه کیهان / ۶۲ - ۶۴.
۸۲. بازرگان، مهندس مهدی، بازگشت به قرآن، چاپخانه رشیدی، ۴ / ۹۰ و ۱۹۲ و ۲۵۷.
۸۳. سخنرانیهای شهید بهشتی، انتشارات سید جمال، مقاله (لیبرالیسم) / ۸۵ - ۱۰۶.
۸۴. پایدار، حبیب الله، برداشتهایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن، / ۷۹ - ۸۱.
۸۵. همان / ۸۱ و ۸۲ و ۱۴۷.
۸۶. مارکس ومارکسیسم / ۲۸۴ ضمیمه چهاردهم به نقل از: شهید مطهری، علل گرایش به مادی گری، دفتر انتشارات اسلامی / ۲۲.